

سلامت؛ محور توسعه پایدار

فصلنامه پایش

سال هشتم شماره اول زمستان ۱۳۸۷ صص ۹۵-۹۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱/۲۵

[نشر الکترونیک پیش از انتشار-۵ اسفند ۱۳۸۷]

سردبیر محترم

«توسعه پایدار» به عنوان مفهومی با سابقه بیش از سه دهه در ادبیات توسعه، امروزه به یک قالب فکری عمده در بسیاری از کشورها، بالأخص کشورهای در حال توسعه، بدل شده است. با وجود آن که این مفهوم، مانند مفهوم توسعه، تعاریف و تفاسیر متعددی را در بر گرفته، اما در سطح بین‌المللی دارای اجماعی علمی و عملی است که از طریق سازمان ملل و نهادهای مرتبط، به مثابه برنامه عمل توسعه کشورها پیشنهاد شده است.

بر اساس تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (کمیسیون برانت لند) در سال ۱۹۸۷، «توسعه پایدار»، عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای کنونی را تأمین می‌کند، بدون آن که توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهای خود، به مخاطره افکند. پایداری در عمل، معادله‌ای میان ضرورت‌های زیست محیطی و نیازهای توسعه است.

توسعه پایدار، توسعه‌ای کل نگر است و همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و دیگر نیازهای بشری را در بر می‌گیرد. به اعتباری، مهم‌ترین شاخصه و جاذبه توسعه پایدار در جامع‌نگری آن است. توسعه پایدار برآورنده نیازها و آرمان‌های انسان، نه فقط در یک کشور و یک منطقه، بلکه تمامی مردم سراسر جهان را در حال و آینده در بر می‌گیرد.

از سوی دیگر، سلامت به عنوان رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی، عرصه‌ای است که پیوندی وثیق با سایر عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و... هر جامعه دارد و امروزه، در نتیجه پیچیده‌تر شدن ابعاد چالش‌های گوناگون توسعه‌ای بسیاری از کشورها، تأمین، حفظ و ارتقای سطح سلامت به محوری‌ترین دغدغه و چالش فرا روی سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و مردم تبدیل شده است.

این نامه بر آن است تا روند اجماع بین‌المللی پیرامون نقش و جایگاه محوری سلامت در قالب فکری توسعه پایدار را از طریق بررسی مهم‌ترین اجلاس‌های بین‌المللی و تصمیمات عملی آنها در سه دهه گذشته، به اجمال ارائه کند.

اجلاس آلماتا؛ تغییر نگرش نسبت به مفهوم سلامت و توسعه

به دنبال افزایش نگرانی‌های کشورهای مختلف از روند توسعه، ازدیاد شتابان جمعیت، تخریب و تهی شدن سریع منابع، افزایش فقر و به هم خوردن چرخه‌های طبیعی حیات در کره زمین طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، نگرانی‌ها در مورد وضعیت سلامت و اثرات سنگین آن بر اقتصاد و توسعه کشورها، خاصه کشورهای در حال توسعه رو به فزونی بود، به حدی که بسیاری از کارشناسان سازمان بهداشت جهانی بر ناکارآمد بودن نگرش‌های درمان محور در عرصه سلامت اذعان داشتند و چرخش در این نگرش را اجتناب ناپذیر ارزیابی کردند. مجموعه این نگرانی‌ها در نهایت، در سال‌های پایانی دهه ۷۰، منجر به تغییر نگرش در عرصه سلامت شد و در ماه مه ۱۹۷۷ در پایان سی امین اجلاس بهداشت، که در آلماتای اتحاد شوروی سابق با شرکت ۱۳۴ کشور جهان تشکیل شده بود، اعلام گردید: «مهم‌ترین هدف اجتماعی دولت‌ها و سازمان بهداشت جهانی در دهه‌های آینده باید آن باشد که همه مردم جهان تا سال ۲۰۰۰ میلادی به سطحی از سلامت دست یابند که زندگی آنان، از نظر اقتصادی و اجتماعی، ثمر بخش و مفید باشد».

این بیانیه بعدها به «بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰ میلادی» شهرت یافت. بالأخره، در سپتامبر ۱۹۷۸، کنفرانس جهانی آلماتا، با اتخاذ رویکرد پیشگیرانه، مراقبت‌های اولیه بهداشتی (Primary Health Care-PHC) را وسیله و ابزار رسیدن به هدف مزبور معرفی کرد و در سال ۱۹۸۰ میلادی، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن بر مراقبت‌های اولیه بهداشتی به مثابه محور توسعه تأکید شده بود.

کنفرانس ریو؛ سرآغاز اجماع بین‌المللی در توسعه پایدار

مجموعه تلاش‌ها جهت تبیین و ارائه برنامه عملی برای توسعه پایدار، پس از آلماتا و برانت لندن نیز ادامه یافت و در اجلاس جهانی کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل (کنفرانس ریو) که در سال ۱۹۹۲ برگزار گردید، فصل نوینی گشوده شد. کنفرانس ریو (۱۹۹۲)، با حضور سران و نمایندگان ۱۷۲ کشور جهان و شمار زیادی از سازمان‌های غیردولتی (NGO) و تدوین دستور کار ۲۱، به مثابه سرآغاز یکی از مهم‌ترین مباحث قرن بیست و یکم، مؤلفه‌هایی نظیر انسان، محیط زیست، فرهنگ، آموزش، امنیت و مشارکت را به عنوان مؤلفه‌های توسعه پایدار مورد توجه قرار داد و عاملان توسعه پایدار را دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) معرفی کرد و ادامه این روند، با عطف توجه بیشتر به ابعاد انسانی توسعه، در کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه (ICPD) ۱۹۹۴ و زمین+۵ ادامه یافت.

اجلاس هزاره؛ نقطه عطف توسعه

با آغاز هزاره جدید، مهم‌ترین اجماع بین‌المللی در خصوص توسعه توسط ۱۹۱ کشور، تحت عنوان اعلامیه هزاره ملل متحد (۲۰۰۰)، حاصل گردید.

بر اساس اعلامیه هزاره، هشت هدف توسعه هزاره، کشورها را موظف می‌سازد. برای مبارزه با فقر، بی‌سوادی، گرسنگی، عدم دسترسی به امکانات آموزش و پرورش، نابرابری جنسیتی، مرگ و میر کودکان و مادران، بیماری و نابودی محیط زیست دست به دست هم دهند و فعال‌تر و هماهنگ‌تر از سابق تلاش کنند. از این هشت آرمان، ۳ آرمان مستقیماً به سلامت انسان‌ها مرتبط می‌باشد و ۵ آرمان دیگر نیز در ارتباطی تنگاتنگ با آن هستند. این امر، نشانگر آن است که حفظ و ارتقای سطح سلامت هم اکنون نیاز اساسی جهانی است و برنامه‌های مرتبط با توسعه پایدار کشورها باید با تأمین سلامت افراد جامعه هماهنگی داشته باشد.

اجلاس جهانی توسعه پایدار؛ تأکید بر محوریت سلامت

پس از آن در اوت ۲۰۰۲، یعنی ده سال پس از اجلاس ریو، به منظور بررسی پیشرفت‌های حاصل شده از این اجلاس و همچنین ارائه راهکارها برای تقویت و عملیاتی سازی دستور کار ۲۱ و سایر نتایج آن، در ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) اجلاس جهانی توسعه پایدار (WSSD) برگزار گردید. عمده‌ترین نتیجه این اجلاس، یک برنامه اجرایی (Plan of Implementation)، یک اعلامیه سیاسی و شماری از ابتکارات و مشارکت‌های اجرایی بود. یکی از عمده‌ترین تفاوت‌های این اجلاس با کنفرانس ریو آن بود که مسئله سلامت در آن محوریت یافت. این امر نشانگر آن بود که سلامت به عنوان منبعی بسیار مهم برای توسعه پایدار، به رسمیت شناخته شده است.

در مجموع باید گفت که «توسعه پایدار»، توسعه‌ای انسان محور است و به مثابه یکی از مهم‌ترین قالب‌های فکری توسعه در قرن بیست و یکم، تمامی عرصه‌های زندگی آدمی، نظیر اقتصاد، سیاست، فرهنگ، محیط زیست، امنیت، آموزش، بهداشت، اخلاق و غیره را در کنار هم، با محوریت سلامت انسان و جامعه، مورد توجه قرار می‌دهد.

توسعه پایدار، عرصه نوینی است که همزمان، هم سیاست و فرهنگ را مورد توجه قرار می‌دهد و هم بر رونق اقتصاد و تجارت و صنعت تأکید می‌ورزد. هم از محیط زیست و همزیستی با طبیعت حمایت می‌کند و هم از حقوق و سلامت برابر انسان‌ها. هم به مسائل داخلی کشورها می‌پردازد و هم به مسائل بین‌المللی.

در این میان، سلامت فردی و اجتماعی با ابعاد وسیع فرابخشی و بین رشته‌ای خود، حجم گسترده‌ای از مسائل مرتبط با توسعه پایدار کشورها را متوجه خود می‌سازد. همان گونه که در جای جای این مقاله به آن اشاره شد، طی دو دهه اخیر، جامعه بین‌المللی به این اجماع رسیده است که سلامت، نه تنها پیوندی وثیق با عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی دارد، بلکه محور و معیار سنجش پایداری آنها نیز محسوب می‌شود. این به آن معنی است که اگر وضعیت سلامت کشورها در تمامی ابعاد، یا در اکثر آنها رو به بهبود باشد، بدون شک وضعیت توسعه کشورها رو به بهبود و پایداری خواهد گذاشت.

با تقدیم احترام

علی اصغر هدایتی: مربی پژوهش، مدیر گروه پژوهشی سلامت و توسعه پایدار، جهاد دانشگاهی، واحد علوم پزشکی شهید بهشتی

صادق زینالی: کارشناس ارشد علوم سیاسی